

تأملی در منابع اطلاعات و مفهوم منبع در آثار تاریخی مسلمانان

مطالعه موردی: تاریخ بیهق

مرتضی دانشیار^۱

علی بیات^۲

چکیده: شناخت منابع، مفهوم منبع و شیوه گردآوری اطلاعات در تألیفات تاریخی مسلمانان، از جمله ملزومات پژوهش در زمینه تاریخ‌نگاری است. گستره این‌گونه پژوهش‌ها، رویکردی موردی به مطالعه و بررسی آثار تاریخی را موجب می‌گردد. تاریخ بیهق از جمله آثار مشهور فارسی در تاریخ محلی ایران است که سرچشمه اطلاعات آن را منابع متنوعی تشکیل می‌دهد. پژوهش حاضر، ضمن واکاوی منابع تاریخ بیهق، به نحوه گردآوری و چگونگی بهره‌گیری مؤلف از هر یک از منابع و تفسیر وی از منبع تاریخی می‌پردازد. این پژوهش نشان می‌دهد که به رغم آن‌که مؤلف منابع خود را شنیده‌ها و کتاب‌ها دانسته است، منابع متنوع دیگر نیز، همچون باستان‌شناسی، مشاهدات و اسناد، مورد استفاده وی قرار گرفته‌اند. لیکن استفاده ناآگاهانه از منابع اخیر، میزان بهره‌گیری مؤلف را تا حد ذکر نام و نقل صرف اطلاعات تقلیل داده است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ‌نگاری، مفهوم منبع تاریخی، منابع و مآخذ تاریخ بیهق

۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی madaneshyiar@gmail.com

۲ استادیار دانشگاه تهران abayat@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۳۰، تاریخ تأیید: ۹۱/۹/۱۱

A Contemplation on the Sources and on the Concept of Muslim Historical Sources The Case Study: *Tarikh-e-Bayhagh*

Morteza Daneshyar¹
Ali Baiat²

Abstract: For researching in the Muslim historiography, it is essential cognition of resources, sources and methods of intelligence gathering. Due to the wide such research, the case approach is necessary to examine the historical writings. *Tarikh-e-Bayhagh* is one of the most famous Persian books about local history that its originate of information is variety of sources. This research analyzes *Tarikh-i bayhagh's* sources. Meanwhile, it notes how the author collected and used any source and his interpretation of historical sources. This study shows, although the author has declared his sources have been books and what he had heard, he has used various other sources such as archeology, observations and documents. But unwittingly use of recent sources, has reduced his usage of the sources and he has merely quoted their names and information.

Keywords: Historiography, Concept of Historical Resource, Resources of *Tarikh-e-Bayhagh*

1 Ph.d Student of History and Civilization of Islamic Nations madaneshyar@gmail.com

2 Assistant Professor of Tehran University abayat@ut.ac.ir

مقدمه

بررسی توصیفی و انتقادی هر نوع تاریخ‌نگاری، بدون شناخت مآخذ آثار مورخان و شیوه گردآوری و بهره‌گیری از آنها، ناقص خواهد بود؛ زیرا از این طریق می‌توان به برداشت مورخان از منبع تاریخی و سرچشمه‌ها و شیوه گردآوری اطلاعات آنان پی برد و نیز به بررسی و نقد وثاقت اطلاعات آنان از همین رهگذر دست زد. اما به رغم اهمیت پژوهش در زمینه مورد بحث، این موضوع کمتر مورد اهتمام پژوهشگران تاریخ اسلام قرار گرفته است. ذکر این نکته نیز ضروری است که هر چند مورخان مسلمان منابع تاریخی را عمدتاً محدود به کتاب و روایت‌های شفاهی می‌دانستند، لیکن بررسی متن آثار آنان نشان می‌دهد که غالباً ناآگاهانه از انواع دیگر منابع، همچون مشاهدات، اسناد، تصاویر و منابع باستان‌شناختی در تدوین آثار خویش بهره می‌بردند. از همین روی برای آگاهی از مآخذ و سرچشمه اطلاعات یک اثر تاریخی، افزون بر تصریح مؤلف به منابع مورد استفاده‌اش در مقدمه، می‌بایست سراسر کتاب به دقت مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر، با تأکید بر موارد یاد شده، ضمن شناسایی و بررسی منابع تاریخ بیهق، نحوه گردآوری و چگونگی استفاده مؤلف از آنها، به بررسی اجمالی مفهوم و مصداق منبع تاریخی در اندیشه او و مورخان مسلمان می‌پردازد.

معرفی تاریخ بیهق

تاریخ بیهق، تألیف ابوالحسن علی بن زیدبیهقی، مشهور به ابن فندق (۴۹۰-۵۶۵ه.ق)، مورخ، ادیب، متکلم، فقیه، منجم، فیلسوف و ریاضی‌دان سده ششم هجری قمری است که در سال ۵۶۳ به نگارش درآمده است.^۱ جغرافیای ناحیه بیهق، تاریخ مختصر آن تا آخرین سال‌های حیات مؤلف و شرح حال مشاهیر ناحیه بیهق، اعم از منجم، محدث، فقیه، شاعر، پزشک، وزیر، حاکم و غیره، اهم مطالب کتاب مذکور را تشکیل می‌دهد.

مؤلف پیش از نگارش تاریخ بیهق، آثار متنوعی در تاریخ، ادبیات عرب، انساب، نجوم، فلسفه، کلام و فقه نگاشته بود.^۲ تبحر او در علوم گوناگون زمان خویش و تجربه نگارش در

۱ ابوالحسن علی بن زیدبیهقی معروف به ابن فندق (۱۳۱۷)، تاریخ بیهق، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: کتابفروشی فروغی، ص ۲۹۲.

۲ یوسف هادی (۱۳۸۶)، "بیهقی، ابوالحسن"، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۴، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، صص ۲۸۵-۲۸۶.

شاخه‌های متنوع، مهم‌ترین دلیل در تنوع مطالب و نیز در شرح احوال اشخاص مذکور در تاریخ بیهقی است. مؤلف، هدف خویش را از نگارش تاریخ بیهقی، «احیاء علوم به مقدار توانش»^۱ و «شکر مواهب الهی بمقادیر آنچه از علوم به وی رسیده است به نشر و تدوین و تصنیف...»^۲ معرفی می‌کند. این موضوع و نیز محتوای کتاب حاکی است که او تألیفش را نه به حمایت و یا خواسته اشخاص، بلکه به انگیزه شخصی نگاشته بود. بیهقی به تاریخ به عنوان آینه عبرت و خزانه تجارب و نصایح می‌نگرد.^۳ گرچه این بینش در کتاب کمتر اعمال شده، اما بی‌تردید در گزینش اخبار و شرح برخی وقایع و نیز در مختصر تحلیل‌های وی مؤثر بوده است. این کتاب که به سبب توجه به جزئیات وقایع، جایگاه مهمی در بین تاریخ‌های محلی ایران دارد، مورد نقد و بررسی‌های متعددی قرار گرفته است^۴ که کامل‌ترین و تازه‌ترین آن‌ها مقاله پ. پورشریعتی است.^۵ اما بیشتر این پژوهش‌ها، بیش از آن که نقد و بررسی تاریخ بیهقی باشد، معرفی توصیفی آن است.

از جمله کاستی‌های کتاب، عدم ارتباط و هماهنگی بین فصل‌های آن، تکرار مطالب و برخی اشتباهات تاریخی است؛^۶ اما امتیازات این اثر، نقایص آن را به حاشیه می‌راند.^۷ از جمله ویژگی‌های برجسته تاریخ بیهقی، تنوع منابع (به مفهوم عام آن) است که بررسی آن‌ها موضوع اصلی پژوهش حاضر است.

۱ بیهقی، همان، ص ۳.

۲ همان، ص ۶.

۳ همان، ص ۷.

۴ برای نمونه، رک: محمدتقی بهار (۱۳۲۱-۱۳۲۶)، سبک شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی)، ج ۲، تهران: چاپخانه خودکار، ص ۳۶۵؛ سید ابوالقاسم فروزانی (تبر و مرداد ۱۳۸۰)، «تاریخ بیهقی و راز جامعیت آن»، تهران: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، صص ۹۵-۹۷.

J.S.Meisami (1999), *Persian historiography: to end of the twelfth century*, Edinburgh, Edinburgh University press, pp 209-229.

5 P.Pourshariati (Winter/Spring 2000), "Local Historiography in Early Medieval Iran and "Tarikh-i Bayhaq", *Iranian Studies*, vol.33, number1 -2, pp 133-164.

۶ نک: تعلیقات بهمنیار بر تاریخ بیهقی، صص ۲۹۳-۳۲۵.

۷ برای امتیازات تاریخ بیهقی، نک: محمد تقی بهار، همان، ج ۲، ص ۳۶۵؛ ابوالقاسم فروزانی، همان، صص ۹۵-۹۷؛ *ibid*, pp . Meisami, 209-222.

منابع مورد استفاده بیهقی

کتابها

منابع کتابی تاریخ بیهقی متنوع است. مؤلف مواد اثر خود را «از تاریخ نیشابور [حاکم نیشابوری] که تمامتر است و از اجزای امام علی بن ابی صالح الخواری رحمة الله و از کتب دیگر...» دانسته است. عدم ذکر کتابهای دیگر که تعدادشان کم نیست، ظاهراً به سبب قلت استفاده او از آنها در مقایسه با دو اثر نامبرده است. با وجود این، مؤلف در متن اثر به هنگام نقل یک روایت به دیگر منابع کتابی خود اشاره کرده است؛ به گونه‌ای که غالب منابع کتابی وی را می‌توان شناسایی کرد. (نک: ادامه مقاله).

۱. مهم‌ترین منبع تاریخ بیهقی، در وقایع مربوط به پیش از سده پنجم هجری قمری، تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری (د. ۴۰۵ هـ) است که امروزه چیزی جز اثر ملخص یک جلدی از آن باقی نیست؛ لیکن در نسخه اصل تاریخ نیشابور به تفصیل اطلاعاتی در مورد بیهقی، به عنوان مهم‌ترین ولایت تحت تابعیت نیشابور، وجود داشته است. علی بن زید، ضمن وام گرفتن بخش اعظم مطالب فصول آغازین کتاب که به فضائل بیهقی، جغرافیا و اسامی آبادی‌های آن، فتح بیهقی به دست مسلمانان و رویدادهای مهم سده اول و دوم هجری قمری اشاره دارد،^۱ شرح حال غالب عالمان بیهقی در گذشته پیش از سده پنجم را نیز از تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری نقل کرده است. این موضوع را قرائن متعدد تأیید می‌کند؛ افزون بر این که مؤلف تاریخ بیهقی، مهم‌ترین منبع کتابی خود را تاریخ نیشابور ابو عبدالله حاکم معرفی کرده، در لابلای اخبار مربوط به عالمان بیهقی پیش از سده پنجم نیز جز در یک مورد، به نام هیچ منبعی غیر از اثر مذکور اشاره نکرده است.^۲ همچنین در تاریخ بیهقی به حضور فضل بن شاذان، دانشمند صاحب نام امامیه (د. ۲۶۰ هـ)، در بیهقی و نیز دیگر عالمان شیعه مذهب منطقه که در گذشته پیش از سده پنجم بودند، اشاره‌ای نشده است؛ این موضوع بدان سبب است که ظاهراً در تاریخ نیشابور از ذکر احوال فضل بن شاذان و عالمان شیعی بیهقی خوداری شده بود.^۳ لیکن منابع شیعی مربوط به سده پنجم از وجود

۱ بیهقی، همان، صص ۲۲-۳۹، ۴۴-۵۰.

۲ همان، صص ۱۳۷-۱۶۲. تنها در صفحه ۲۵۵ شرح حال یکی از شاعران بیهقی از تاریخ نیشابور ابوالقاسم کعبی بلخی نقل شده که همان مطلب در صفحه ۱۵۶ تکرار شده است.

۳ نک: ابو عبدالله حاکم نیشابوری (۱۳۷۵)، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، به کوشش محمدرضا

دانشمندان شیعه مذهب و حضور فضل بن شاذان در بیهق خبر داده‌اند.^۱

۲. اثر دیگری که در تاریخ محلی نیشابور پیش از سده پنجم نگاشته شده و مورد استفاده علی بن زید قرار گرفته است، تاریخ نیشابور^۲ اثر مفقود ابوالقاسم کعبی بلخی (د. ۳۱۷ هـ.ق) است. علی بن زید در ذکر مشاهیر بیهق سده سوم و پیش از آن، از منبع مذکور بهره برده است؛^۳ لیکن به تصریح خود او، اثر کعبی بلخی در جریان آشوب‌های نیشابور در سال ۵۵۶ هـ.ق در مسجد عقیل نیشابور سوخته بود؛^۴ بدین سبب ظاهراً منقولات تاریخ بیهق از تاریخ نیشابور کعبی بلخی محدود به محفوظاتی است که علی بن زید از اثر مذکور به هنگام نگارش تألیف خود در سال ۵۶۳ در ذهن خود داشته است. این موضوع موجب اختصار، قلت و کلی گویی منقولات علی بن زید از اثر کعبی بلخی شده است.^۵

۳. منبع مهم دیگر علی بن زید بیهقی در نوشتن تاریخ بیهق، اثر ناتمام علی بن ابی صالح خواری (زنده در ۵۳۲ هـ.ق) بوده است. این اثر که به زبان عربی نگاشته شده بود، جزوه گونه‌ای بود که مرگ مؤلفش مانع تکمیل آن شد.^۶ علی بن زید اطلاعات مربوط به برخی از عالمان بیهقی سده پنجم و اوایل سده ششم را از همین جزوه نقل کرده است. مهم آن که، بر اساس منقولات علی بن زید از اثر ابوصالح خواری، ظاهراً در این اثر تنها به ذکر عالمان دینی، برخی ادیبان و علویان ساکن بیهق پرداخته شده بود.^۷

شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات آگه، مقدمه مصحح، ص ۵۸.

۱ در مورد حضور فضل بن شاذان در بیهق و نیز عالمان شیعه بیهقی در سده‌های سوم و چهارم، برای نمونه، نک: ابوجعفر - محمدطوسی (۱۳۴۸)، اختیار معرفة الرجال (المعروف برجال کتبی)، تحقیق حسن المصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد، صص ۵۰۹-۵۱۰، ۵۴۳، ۵۷۵-۵۸۱؛ ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۲)، عیون اخبار الرضا، ترجمه حمیدرضا مستفید - علی اکبر غفاری، ج ۱، تهران: انتشارات صدوق، صص ۲۶، ۲۸، ۲۷۸۹۲؛ ج ۲، صص ۱۶۶-۱۶۹، ۲۸۰-۳۱۷، ۳۳۴، ۳۴۴، ۶۵۷.

۲ علی بن زید، همان، صص ۲۱، ۱۳۸، ۱۵۶، ۲۵۵. از اثر مذکور با عناوین مختلف، تاریخ نیشابور، مفاخر خراسان، مفاخر نیشابور و نواحی آن، نام برده است. لیکن بر اساس همین منقولات علی بن زید، تردیدی نیست که همه این عناوین بر یک اثر اطلاق شده است.

۳ بیهقی، همان، صص ۱۳۸، ۱۵۶، ۲۵۵.

۴ همان، صص ۲۱؛ همچنین: عزالدین ابوالحسن بن اثیر (۱۹۶۵)، الکامل فی التاریخ، ج ۱۱، بیروت: دار صادر - دار بیروت، صص ۲۷۱-۲۷۲.

۵ بیهقی، همان، صص ۱۳۸، ۱۵۶، ۲۵۵.

۶ همان، ص ۲۱.

۷ نک: همان، صص ۱۲۰، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۸؛ نیز، بیهقی (۱۴۱۰ ق)، لباب الانساب والالقباب و الاعقاب، به کوشش سید مهدی رجائی، قم: مکتبه آیه‌الله مرعشی، ص ۵۱۷ به بعد.

۴. از دیگر منابع بیهقی، *تممة تاریخ نیشابور* به نام *سیاق التاریخ یا السیاق لتاریخ نیشابور* از عبدالغافر فارسی (د. ۵۲۹ هـ.ق) است. *سیاق التاریخ* از همان جایی آغاز شده است که حاکم نیشابوری مطالب خود را به پایان رسانده بود و احوال علمای نیشابور و توابع آن را تا سال ۵۱۸ هـ.ق شامل می‌شود. علی بن زید، شرح احوال برخی از عالمان بیهقی سده پنجم و اوایل سده ششم را از همین اثر نقل کرده است.^۱

۵. شرح احوال حکمای ناحیه بیهقی منقول از *تممة صوان الحکمه* اثر دیگر علی بن زید بیهقی است که آن را پیش از نگارش *تاریخ بیهقی*، در *تاریخ فلسفه اسلامی* تألیف کرده بود. شرح حال این افراد که سه تن بودند، در *تاریخ بیهقی* کمی متفاوت و مفصل‌تر از *تممة صوان الحکمه* نقل شده است.^۲

۶. *نمار القلوب فی المضاف و المنسوب* اثر ابومنصور عبدالملک بن محمد ثعالبی (د. ۴۲۹ هـ.ق)، که در اصطلاحات مرکب عربی (اضافه‌ها و نسبت‌ها) است. این کتاب، منبع اصلی علی بن زید در ذکر «قصه سرویدیه کشمیر» و برخی اطلاعات مربوط به خاندان مهلب بن ابی صفره، والی اموی خراسان (د. ۸۳ هـ.ق) بوده است.^۳

۷. بیهقی از اثر معروف‌تر ثعالبی به نام *یتیمه الدهر و محاسن اهل العصر و تممة آن* که در تراجم احوال شاعران عرب زبان مشهور معاصر وی است، منقولاتی کوتاه اما مکرر نقل کرده است.^۴

۸. اثر دیگر ثعالبی، *نهایة الصنعة فی الحسن و البراعة*، نیز مورد استفاده بیهقی بوده است.^۵ جز *یتیمه الدهر*، باید از چند تألیف دیگر نام برد که با آن اشتراک موضوعی داشته و مؤلف *تاریخ بیهقی* در بیان شرح احوال ادیبان بیهقی از آن‌ها بهره برده است؛ از آن جمله:

۹. *دُمیة القصر* از ابوالحسن علی بن حسن باخرزی (مقتول ۴۶۷ هـ.ق) که در شرح حال و گزیده

۱. بیهقی، همان، صص ۲۱، ۱۰۷.

۲. همان، صص ۲۳۳، ۲۴۱-۲۴۲؛ نیز، بیهقی (۱۹۵۳)، *تممة صوان الحکمه*، به کوشش محمد شفیع، لاهور: انتشارات دانشگاه پنجاب، صص ۱۳۴، ۱۶۲-۱۶۴، ۱۷۱-۱۷۲.

۳. همان، صص ۲۸۱، ۸۴؛ نیز، ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد ثعالبی [بی تا]، *نمار القلوب فی المضاف و المنسوب*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالمعارف، صص ۵۹۰-۵۹۱.

۴. همان، صص ۸۴، ۱۵۴، ۱۹۱، ۲۱۱، ۲۵۵.

۵. همان، صص ۱۷۵.

اشعار شاعران عرب زبان است و در واقع ذیلی بر *یتیمه الدهر* ثعالبی محسوب می‌شود.^۱

۱۰. *تممة دُمیة القصر* نیز با عنوان *وشاح دمیة القصر* توسط علی بن زید بیهقی (د. ۵۶۵ هـ.ق) نگاشته شده و مؤلف در *تاریخ بیهقی* از هر دو اثر اخیر منقولاتی متعدد اما مختصر نقل کرده است.^۲

۱۱ و ۱۲. آثار دیگر، *لباب الالباب* و *جُوتة النداء*، از جمله آثار مفقود یعقوب بن احمد نیشابوری (د. ۴۷۴ هـ.ق) است که همچون آثار فوق در ادبیات عرب نگاشته شده و منبع علی بن زید در نگارش احوال ادیبان عربی نویسنده *سده پنجم* است.^۳

۱۳. اما بخش درخور توجهی از *تاریخ بیهقی* به ذکر علویان اختصاص دارد. علی بن زید اطلاعات مربوط به علویان منطقه *بیهق* را از *لباب الانساب و الاقباب و الاعقاب*^۴ اثر دیگر خود که پیش‌تر برای نقیب بیهقی، ابوالحسن علی بن محمد بن یحیی زبیری، در سال ۵۵۸ هـ.ق نوشته بود، نقل کرده است.^۵ *لباب الانساب* در مورد سلسله نسب اخلاف حضرت علی^(ع) از نسل امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) و گاه حضرت زینب و نیز محمد حنفیه تا زمان تألیف کتاب، بر علویان ایران تمرکز یافته است. اثر مذکور، خود بر اساس اطلاعات حاصل از سلسله انساب مکتوب علویان،^۶ *تواریخ نیشابور (تاریخ نیشابور حاکم و تممة آن سیاق)*، جزوه گونه ابوصالح خواری و نیز شنیده‌ها و دیده‌های مؤلف، نگاشته شده بود.

۱۴. از دیگر منابع کتابی علی بن زید، کتاب *مزید التاریخ* اثر مفقود ابوالحسن محمد بن سلیمان است که ذیل *تاریخ ولات خراسان* بوده^۷ و *تاریخ خراسان* را ظاهراً تا اوایل سده پنجم دربر می‌گرفت. علی بن زید، اطلاعات مربوط به احوال برخی از چهره‌های سیاسی بیهق و یا منتسب

۱ محمد تونجی (۱۳۷۵)، "باخرزی، نورالدین ابوالحسن"، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۱، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، صص ۱۳۴-۱۳۵.

۲ برای نمونه، نک: بیهقی، همان، صص ۹۸، ۱۱۶، ۱۳۶، ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۱۱، ۲۲۳، ۲۴۲، ۲۵۵.

۳ همان، صص ۱۹۱، ۱۹۶، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۱.

۴ *لباب الانساب* نخستین بار به کوشش سید مهدی رجائی در ۱۴۱۰ در قم با اغلاط فراوان چاپ شده است. از جمله ابتدایی‌ترین اغلاط این چاپ اشتباه در ذکر نام مؤلف - علی بن ابوالقاسم زید بن محمد بیهقی - در پشت جلد و شناسه اثر است که علی بن ابوالقاسم بن زید بیهقی ثبت شده است. ثبت نام سبزواری با عنوان سبزواری و باشتین به صورت تاشتین در سراسر اثر، از دیگر اشتباهات آن است که در چاپ دوم کتاب نیز اصلاح نشده است.

۵ نک: همان، صص ۵۶-۶۵، ۲۵۴-۲۵۵.

۶ علی بن زید بیهقی در تألیف دیگرش، *لباب الانساب*، در نقل نسب علویان از انساب مکتوب ایشان بهره برده بود؛ اما دلیلی وجود ندارد که نشان دهد او در *تاریخ بیهقی* نسب دیگر سرشناسان بیهق را نیز از انساب مکتوب نقل کرده باشد.

۷ و. ولادیمیروویچ بارتولد (۱۳۵۲)، *ترکستان نامه (در عهد هجوم مغول)*، ترجمه کریم کشاورز، ج ۱، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، صص ۵۳، ۵۳۷.

به آن را از این کتاب نقل می‌کند.^۱ مهم آن که گزارش‌های منقول تاریخ بیهقی از مزیدالتاریخ، منحصر به فرد است. این موضوع می‌تواند به دلیل عدم شهرت این اثر باشد؛ زیرا ذکری از مزیدالتاریخ و یا اطلاعات منقول تاریخ بیهقی از آن، در دیگر منابع تاریخی، همچون الکامل ابن‌اثیر و جامع‌التواریخ خواجه رشیدالدین، که حاوی اطلاعاتی از وقایع خراسان این عصر هستند، وجود ندارد.

۱۵. اما منبع اصلی تاریخ بیهقی در رویدادهای سیاسی مربوط به سده‌های پنجم و ششم هجری قمری، اثر دیگر مؤلف مشارب التجارب و غوارب الغرائب است. این کتاب که به تازی بوده و ذیلی بر تاریخ یمینی از عبدالجبار عتبی (د. ۴۲۷هـ.ق) محسوب می‌شود، به گفته محمد قزوینی، حوادث تاریخ ایران را از حدود سال ۴۱۰ تا ۵۶۰هـ.ق شامل می‌شده است.^۲ اگرچه تاکنون نسخه‌ای از آن به دست نیامده، و همین موضوع، شناخت منابع و سرچشمه اطلاعات اثر مذکور را دشوار می‌سازد، لیکن منقولاتی از آن را، علاوه بر تاریخ بیهقی، می‌توان در آثاری چون الکامل ابن‌اثیر (د. ۶۳۰هـ.ق)، جهانگشای جوینی و تاریخ‌گزیده حمدالله مستوفی یافت.^۳ در میان آثار مذکور بیشترین مطالب منقول از مشارب در الکامل فی‌التاریخ آمده است. ذکر این نکته ضروری است که سبب اختصار اغلب گزارش‌های رویدادهای سیاسی مربوط به سده‌های پنجم و ششم هجری قمری در تاریخ بیهقی، ذکر مفصل آن‌ها در مشارب التجارب بود.^۴

۱۶. اطلاعات عمده تاریخ بیهقی در مورد حوادث سیاسی عصر غزنویان و شرح احوال شاغلان بیهقی دربار ایشان، از تاریخ بیهقی اثر برجسته ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی (د. ۴۷۰هـ.ق) گرفته شده است. گفتنی است که علی‌بن‌زید از تاریخ بیهقی با عناوین مختلف تاریخ محمودیان، تاریخ آل‌محمود و نیز تاریخ ناصری یاد کرده است.^۵

۱ بیهقی، صص ۳۰، ۹۳، ۱۳۲-۱۳۳.

۲ مقدمه قزوینی بر تاریخ بیهقی، ص ید. لیکن در صحت این نظر قزوینی جای تردید وجود دارد، زیرا ابن‌اثیر در الکامل (همان، ج ۱۱، ص ۳۸۰) وقایعی را از مشارب و التجارب نقل می‌کند که به چند سال پس از سال ۵۶۰هـ.ق مربوط می‌شود.

۳ برای نمونه، نک: ابن‌اثیر، همان، ج ۱۱، ص ۳۸۰؛ عطاملک جوینی (۱۳۸۷)، تاریخ جهانگشای، به کوشش محمد قزوینی، ج ۲، تهران، انتشارات هرمس، ص ۳۵۵؛ حمدالله مستوفی (۱۳۶۴)، تاریخ‌گزیده، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۳، ص ۶ برای توضیحات بیشتر، نک: مقدمه قزوینی بر تاریخ بیهقی، ص ید.

۴ بیهقی، همان، صص ۳۰، ۷۱، ۷۵.

۵ همان، صص ۲۰، ۷۰، ۷۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۷۵، ۱۷۷.

۱۷. افزون بر تاریخ بیهقی، علی بن زید در نقل رویدادهای عصر غزنویان از تاریخ یمینی اثر محمد بن عبدالجبار عتبی (د. ۴۲۷ هـ) بهره برده است.^۱ تاریخ یمینی تاریخ دودمانی غزنویان به شمار می‌رود که حوادث عصر غزنویان را تا ۴۱۰ هـ دربر می‌گیرد. این اثر به زبان عربی نگاشته شده است.

در کنار منابع پیش گفته، باید از منابع دیگری یاد کرد که علی بن زید بیهقی از هر کدام یک و حداکثر دو بار اطلاعات مختصری نقل کرده است. این منابع عبارت‌اند از:

۱۸. تاریخ مرو اثر مفقود ابوالعباس معدانی،^۲ ۱۹. اثری از جاحظ (د. ۲۵۵ هـ) که اطلاعاتی در خصایص آب و هوای مصر داشته است و بر این اساس محتملاً الأوطان والبلدان بوده است.^۳
 ۲۰. مجمل اللغة از ابن فارس.^۴ ۲۱. الثار، تألیفی مفقود از ابوعلی سلامی (د. نیمه سده چهارم)، مؤلف کتاب مشهور تاریخ ولات خراسان، که موضوع آن تاریخ محلی خوار بیهق بوده است.^۵
 ۲۲. شاهنامه فردوسی،^۶ ۲۳. طوابع البلدان، تألیفی مجهول المؤلف و مفقود.^۷ ۲۴. تاریخ الرسول و الملوک طبری.^۸ ۲۵. اثر نامعلومی از مدائنی (د. ۲۲۵ ق) که از آن در مورد خاندان مهلب بن ابی - صفره اطلاعاتی أخذ کرده است،^۹ ۲۶. قلائد الشرف، اثری نیافتده از ابو عامر جرجانی.^{۱۰} ۲۷. دیوان مفقود محمد بن عبدالرزاق بیهقی که به عربی سروده شده بود.^{۱۱} ۲۸. اثر مجهول المؤلف و مفقود مبادی اللغة.^{۱۲} ۲۹. اثری مفقود در موضوع دهقانی از ابودجانه بیهقی.^{۱۳} ۳۰. کتاب مفقود

۱ همان، ص ۷۰ و ۱۷۶؛ نیز محمد بن عبدالجبار عتبی (۱۳۸۴)، تاریخ یمینی، ترجمه ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفاذقانی، به کوشش جعفر شعار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۴، صص ۱۸۳-۱۹۹، ۳۱۴-۳۱۸.

۲ بیهقی، همان، ص ۲۶.

۳ همان، صص ۲۸-۲۹.

۴ همان، ص ۳۴.

۵ همان، صص ۳۴، ۱۵۴.

۶ همان، ص ۳۷.

۷ همان، ص ۵۳.

۸ همان، ص ۸۷.

۹ همان، ص ۹۰.

۱۰ همان، ص ۲۲۸.

۱۱ همان، ص ۱۶۲.

۱۲ همان، ص ۱۲۷.

۱۳ همان، ص ۱۴۶.

المُنْهَبُ فِي أُمَّةِ الْمَنْهَبِ از ابو حفص عمر مطوعی. ۳۱. اثری تاریخی و مفقود از اوحدالدین ابوالمعالی الرشیدی؛^۲ و ۳۲. قانون، اثر طمی و مشهور ابن سینا.^۳

افزون بر منابع مذکور، برخی از کتاب‌های مورد استناد بیهقی مشخص نیست. عبارت‌هایی چون «در تصانیف ثعالبی...»، «المطوعی در تصانیف خویش... اثبات کند»، «اندر حکایت چنین آورده‌اند...» و «در کتب آورده‌اند...» گویای این مطلب است.^۴

کاستی شایان تأمل تاریخ بیهقی در نقل از تألیفات دیگران، عدم نقد و تحلیل روایات و نقل صرف آن‌هاست. نمونه بارز این نقیصه در روایت او از درخت سرو کاشمر مشخص است. علی بن زید روایت قطع این درخت را به همراه شایعه‌ها و خرافه‌های مربوط به این رویداد، بدون نقد و بی‌کم و کاست، از ثمار القلوب ثعالبی نقل کرده است.^۵ روایت او از سفر هارون به خراسان نیز از همین گونه است. او به اختلاف نظر مورخان در موضوع مسیر حرکت هارون به سمت توس اشاره می‌کند؛^۶ اما بدون نقد و تحلیل، تنها به ذکر اخبار مربوط به یک دسته از مورخان بسنده کرده است.

گزارش‌ها

الف. شنیده‌ها

میزان اطلاعات مبتنی بر شنیده‌ها و دیده‌های مؤلف، در جایگاه دوم و پس از کتاب‌ها قرار دارد. هر چند علی بن زید چندان پایبند به ذکر منبع شنیده‌های خویش نیست؛ لیکن از لابلائی کتاب تا حدی می‌توان به سرچشمه اطلاعات شفاهی وی پی برد. مسموعات مؤلف از نظر تعداد واسطه‌ها و به تبع آن میزان اعتبار، فرق دارند. قسمتی از شنیده‌های مؤلف در تاریخ بیهقی، مربوط به اقوالی است که به حدود جغرافیایی بیهقی، وجه تسمیه بیهقی، سبزوار، برخی دیگر از آبادی‌های منطقه، شرح بنای سبزوار، اقوال مربوط به سازنده آن و برخی دیگر از آبادی‌های

۱ همان، صص ۱۵۸، ۱۷۲.

۲ همان، صص ۲۲۷.

۳ همان، صص ۲۸۰.

۴ همان، نک: صص ۱۵۴، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۸۲، ۲۸۸.

۵ همان، صص ۸۳-۲۸۱؛ نیز ثعالبی، صص ۵۹۰-۵۹۱.

۶ بیهقی، صص ۴۷.

ناحیه بیهقی اشاره دارد. این دسته از روایات، اخبار شایعی بود که از گذشته‌های دور سینه به سینه نقل شده تا با واسطه ناقلان بسیار به دوران بیهقی رسیده بود. بیهقی نیز با عبارت‌هایی چون «قومی گفته‌اند...»، «چنین گویند...» و «گفته‌اند...» به آن‌ها تصریح دارد.^۱ او این روایت‌ها را از افرادی نامشخص نقل کرده است. ظاهراً بخشی از روایات مربوط به انساب خاندان‌های سرشناس بیهقی نیز، با واسطه کمتر، جزو همین دسته از روایت‌ها قرار می‌گیرند.^۲

دسته دیگری از شنیده‌های مؤلف شامل اخباری است که او از افراد حاضر در صحنه رویدادها شنیده بود. بی‌تردید این شنیده‌ها در مقایسه با شنیده‌های مذکور، از اعتبار بسیار بیشتری برخوردارند. بخشی از آن‌ها مربوط به وقایع سده پنجم است که او از پدر بزرگ خویش، امیرک ابوسلیمان محمد (۴۲۰-۵۰۱ هـ.ق) و پدر و نیز برخی از «پیران» شنیده بود. برای نمونه گزارش وی از زلزله سال ۴۴۴ هـ.ق در بیهقی و گزارش او از جنگ اهالی بیهقی با یغیان (حدود سال ۴۳۰ هـ.ق) و نیز روایتی در مورد دشتبانی بیهقی، حاصل شنیده‌های او از پیرسالانی است که این رویدادها را دیده بودند.^۳ از همین گونه است روایت‌هایی که او از پدر بزرگ خویش در مورد نوجوانی خواجه نظام الملک و فعالیت سوباشی (از فرماندهان سپاه سلطان مسعود غزنوی) در خراسان، و از پدر خود ابوالقاسم زید نقل کرده است.^۴ دیگر روایت‌های بی‌حاصل از مسموعات مؤلف به دوره حیات او برمی‌گردد. گزارش وی از برخی وقایع محلی، از جمله تاخت و تاز ینالتکین بن اتسز خوارزمشاه (د. ۵۵۱ هـ.ق) در منطقه و شیوع وبا و مرگ و میر وسیع مردم (۵۴۹ هـ.ق)، حاصل شنیده‌های او از افرادی بود که مستقیماً آن رویدادها را مشاهده کرده بودند. گزارش برخی محصولات محلی بیهقی نیز حاصل همین گونه مسموعات است.^۵

با وجود این، در خور تأمل است که علی‌بن‌زید بیهقی، به رغم داشتن اندیشه فلسفی و تجربه تاریخننگاری، در نقل منقولات شایع و یا شنیده‌های مستقیم و یا با واسطه خود، از نقد و تحلیل خودداری کرده است. حال آن‌که در مقدمه کتاب در فایده تاریخ متذکر شده است که «تواریخ

۱ همان، صص ۳۳-۴۳، ۲۷۴. لازم به ذکر است که نمی‌توان دقیقاً مشخص کرد که تمام این روایت‌های اسطوره‌ای را خود شنیده و یا قسمتی از آن را از کتاب‌های دیگران، به ویژه تاریخ نیشابور و تاریخ بیهقی ابوصالح الخواری نقل کرده است.

۲ برای نمونه، نک: همان، صص ۱۲۴-۱۲۸.

۳ همان، صص ۵۰-۵۱، ۲۶۴.

۴ همان، صص ۲۰۷، ۲۷۴.

۵ همان، صص ۲۷۱، ۲۷۸-۲۷۹.

خزائن اسرار امور است و در آن عبر و مواظ و نصایح ... و وقایعی که افتاده باشد و سعاداتی که در عهد گذشته مساعدت نموده اسباب آن بدانند و از آنچه احتراز باید کرد احتراز کنند...»^۱ شاید پاسخ پرسش مذکور این باشد که بیهقی تاریخ را از سنخ علوم نقلی می‌داند و می‌نویسد: «جهاتی که بدان آدمی چیزی شناسد عقل است و حس و مشاهدت، و مسموعات از ابواب محسوسات بود و احوال عالم [اطلاع از رویدادهای گذشتهٔ انسانی] به طریق عقل نتوان شناخت»^۲ ذکر بدون نقد اسطوره‌های مربوط به بنای شهر سبزوار و دیگر آبادی‌های بیهق و نیز نقل خرافه‌های مربوط به درخت سرو فریومد،^۳ نمونه‌هایی از این موضوع است.

ب. دیده‌ها

بخش دیگری از اطلاعات تاریخ بیهق حاصل دیده‌های مؤلف است. این اطلاعات به سدهٔ ششم هجری قمری باز می‌گردد که دورهٔ حیات مؤلف بود. مطالب حاصل از مشاهدات بیهقی، شامل وصف جغرافیایی، وصف حال اشخاص، گزارش از اشتغالات مردم بیهق و نیز وصف برخی وقایع و رویدادها است. حدود بیهق، موقعیت برخی از آبادی‌های آن، بررسی اوضاع آب و هوایی منطقه و مقایسهٔ شرایط جوئی بیهق با نواحی دیگر، بخشی از اطلاعات جغرافیایی تاریخ بیهق و مبتنی بر مشاهدات مؤلف است.^۴ وصف حال بسیاری از اشخاص مذکور در این اثر نیز، نتیجهٔ حشر و نشر و یا آشنایی مؤلف با آنان است. از جملهٔ این گزارش‌ها شرح علی بن زید از نحوهٔ تدریس، تدوین تقویم و شیوهٔ تأمین معاش دانشمندی نایینا مشهور به ظهیرالدین - علی بن شاهک قزاری است.^۵ وصف مؤلف از شرح حال خطاطان بیهق، و کم و کیف کار آنان، جمعی از شاعران محلی و نقد آثار ایشان^۶ و نیز برخی از سرشناسان بیهق، از جمله فخرالزمان مسعود بن علی صوابی (د. ۵۴۴هـ.ق) از دانشمندان شیعه،^۷ فقیه امام حسین بن محمدفوران (د. ۵۱۹هـ.ق)،^۸ ظهیرالملک ابوالحسن علی بن حسن بیهقی (مقتول به سال ۵۳۶هـ.ق) و پسرش

۱ همان، صص ۷-۸.

۲ همان، ص ۸.

۳ همان، صص ۴۰-۴۳، ۲۸۳.

۴ همان، صص ۳۲-۳۸.

۵ همان، صص ۲۴۰-۲۴۱.

۶ همان، صص ۲۷۶-۲۷۷.

۷ همان، صص ۲۳۴-۲۳۵.

۸ همان، صص ۲۳۴-۲۳۵.

مجیرالدین (مقتول به سال ۵۳۶هـ.ق)، از والیان سلطان سنجر،^۱ و نیز ذکر شغل‌ها و برخی محصول‌های رایج در بیهق، و رویدادهایی همچون نزولات جوی غیر معمول و خسارت‌های ناشی از آن،^۲ نزاع مؤیدآی‌ابه (د. ۵۶۸هـ.ق) با ایل ارسلان بن اتسز خوارزمشاه (حک. ۵۵۱-۵۶۷هـ.ق) در بیهق، منازعه‌های شهری در سبزوار، حضور سلطان سنجر در بیهق و اقدامات او، از دیگر اطلاعاتی است که مؤلف بر اساس دیده‌های خود نگاشته است.^۳ به هر روی، این بخش از تاریخ بیهق نیز که از نظر سندیت معتبرترین مطالب آن است، همچون سایر اطلاعات اثر، مختصر، بدون تحلیل و وقایع نگارانه است.

اسناد

مورخان سده‌های میانه، به رغم استفاده از اسناد در تألیفات خویش، هویتی مستقل برای اسناد قائل نبودند و آن را جزو منابع کتبی به شمار می‌آوردند.^۴ علی بن زید بیهقی نیز، به رغم آن که منابع خود را تنها چند کتاب دانسته است، در متن تاریخ بیهق، در بیش از ۱۲ مورد به ارائه اطلاعاتی بر اساس اسناد، ذکر اصل و یا بخشی از آن‌ها، پرداخته است.^۵ اسناد مورد استفاده علی بن زید جزء هر چهار دسته اسناد مالی - حقوقی، اخوانیات، سلطانیات و دیوانیات است.^۶ برخی از این اسناد، اسناد خانوادگی مؤلف بوده و برخی دیگر را از خاندان‌های سرشناس أخذ کرده بود.

از محتوای این چند ققره سند، افزون بر آگاهی از رویدادهای تاریخی (همچون حمله طایفه قفص به بیهق در دوران امارت نصر بن سبک‌کنین (د. ۴۱۲ ق) و تاریخ بازسازی مسجد

۱ همان، ص ۲۲۶.

۲ همان، صص ۲۷۷-۲۸۱، ۲۸۳.

۳ همان، صص ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۴.

۴ جهانگیر قائم مقامی (۱۳۵۰)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ص ۷.

۵ بیهقی، همان، صص ۵۹، ۶۶، ۷۰، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۹۵، ۲۵۵.

۶ دسته چهارگانه اسناد به قرار زیر است (قائم مقامی، همان، صص ۴۱-۴۳):

اسناد مالی - حقوقی: اوراق و اسنادی که درباره امور روزمره زندگی بوده و حاکی از روابط مالی و اقتصادی و حقوقی میان مردم است.

اخوانیات: مکاتبات دوستانه و خانوادگی را گفته می‌شود.

سلطانیات: به مراسلات میان پادشاهان و شاهزادگان گویند.

دیوانیات: به اسنادی اطلاق می‌شود که درباره امور دولتی و کشوری بوده و در دستگاه اداری تهیه می‌شده است.

جامع سبزوار،^۱ می‌توان به نحوه مکاتبه‌های بین علما، چگونگی مناسبات رعیت و سلطان، طرز مکاتبه‌های اداری، اصطلاح‌های اداری و فن نویسندگی، پی برد. با وجود این، استفاده خود علی بن زید از اسناد محدود است؛ او غالباً سند را به صورت خام و بدون تحلیل مفاد و محتوای آن ارائه کرده است.

منابع باستان‌شناختی

افزون بر مآخذ مکتوب (کتاب و اسناد) و گزارش‌ها (شنیده‌ها و دیده‌ها)، منابع باستان‌شناختی نیز در نگارش تاریخ بیهقی مورد استفاده بوده‌اند.^۲ مؤلف موضع روستای ویران شده بیهقی را که به روایتی نخستین روستای منطقه بیهقی بوده است، بنا بر مشاهدات خویش از ویرانه عمارت‌ها و حصار آن تعیین می‌کند.^۳ او همچنین مسموعاتش را در مورد سبزوار که حکایت از آبادی و وسعت شهر در سده‌های گذشته داشت، با مشاهدات خویش از ویرانه محله‌ها و عمارت‌های گذشته شهر مستند کرده است.^۴ علاوه بر این، او ضمن نقل روایت هجوم خوارج به بیهقی و قتل عام اهالی منطقه (حدود سال ۱۹۰ هـ.ق)، مناطق مورد هجوم آنان را با استناد به مقبره‌های کشته‌شدگان مشخص می‌کند.^۵

اما شاهدهی جالب‌تر از حضور منابع باستان‌شناختی در تاریخ بیهقی، تعیین تاریخ دقیق ساخت مسجد جامع سبزوار، منبر و نیز متولی ساخت آن است. علی بن زید، براساس کتیبه منبر قدیمی مسجد، متولی ساخت مسجد و منبر آن را احمد بن عبدالله خُجستانی (د. ۲۶۸ هـ.ق) و تاریخ بنا را ۲۶۴ هـ.ق نقل می‌کند.^۶ با وجود این، باید در نظر داشت که علی بن زید نیز همچون دیگر مورخان، هویتی مستقل برای منابع باستان‌شناختی قائل نبوده و اطلاعاتی را که از این گونه منابع اخذ کرده در ردیف مشاهدات قرار داده است. همین نگاه عامل محدودیت استفاده وی از

۱ بیهقی، همان، صص ۵۰، ۱۱۴.

۲ باستان‌شناختی، مطالعه گذشته با استفاده از منابع مادی است. منابع باستان‌شناختی نیز، از تکه‌ای استخوان گرفته تا بنایی باستانی را شامل می‌گردد (نک: کن. آر. دارک (۱۳۷۹)، *مبانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه کامیار عبدی، تهران:

مرکز نشر دانشگاهی، صص ۳، ۴۵).

۳ همان، ص ۳۳؛ نیز همان، ص ۳۵.

۴ همان، ۴۳.

۵ همان، ص ۲۶۷.

۶ همان، ص ۵۰.

منابع باستان‌شناسی است؛ برای مثال، او می‌توانست به همراه تعیین محل کشتار مردم بیهق در تاخت و تاز خوارج (بر اساس مقبره‌های آنان)، تاریخ این واقعه و میزان تقریبی تلفات را نیز مشخص کند. همچنین در صورتی که نگاهی مستقل به منابع باستان‌شناختی می‌داشت، تعیین حدود دقیق سبزواری در ادوار گذشته (بر اساس ویرانه‌های شهر) و نیز مقایسه آن با وسعت شهر در دوره خود وی ممکن می‌شد.

مفهوم منبع تاریخی از دیدگاه مورخان مسلمان و علی بن زید بیهقی

مورخان مسلمان به ندرت به ارائه تعریفی از منبع، انواع منابع تاریخی و نیز روش خود در گردآوری اطلاعات پرداخته‌اند. از جمله مورخانی که از این امر مستثناست، ابوالفضل بیهقی است که در تألیف خود مشهور به تاریخ بیهقی، نه به تعریف منبع تاریخی، اما به بیان انواع منابع پرداخته است. او قائل بود: «و اخبار گذشتگان را دو قسم گویند که آن را سه نباشد: یا از کسی نباید شنید و یا از کتابی نباید خواند». و نیز، «من [ابوالفضل بیهقی] که این تاریخ را پیش گرفته‌ام، التزام این قدر بکرده‌ام تا آنچه نویسم یا از معاینه من است یا از سماع درست از مردی ثقه...»^۱ با وجود این، هم او مکرر اطلاعاتی را بر اساس اسناد نقل کرده است. لیکن اسناد از نظر او نیز در زمره منابع کتابی بوده است و نه نوعی مستقل از منابع با ویژگی‌ها و اعتبار خاص. به هر حال، نظر او را می‌توان آئینه تمام‌نمای اندیشه مورخان مسلمان در مورد منبع تاریخی دانست.

علی بن زید بیهقی نیز، به رغم توجه خاص به موضوع فایده تاریخ و شرح تفصیلی آن در مقدمه اثر، تعریفی از منبع تاریخی ارائه نکرده است. لیکن از این سخن وی که «و من این تاریخ که ساختم از تاریخ نیشابور... و از کتب دیگر جمع کردم و بعضی از انساب اهل بیهق و خاندان‌های قدیم بیان کردم تا جامعتر بود...»^۲، می‌توان به فهم او از منبع تاریخی پی برد. تنها منابعی که افزون بر کتاب‌ها در این سخن وی نهفته است، شنیده‌های اوست. لیکن چنان‌که پیشتر ذکر شد، متن اثر او حاکی است که وی افزون بر این منابع، ناگاهانه از اسناد، مشاهدات

۱ ابوالفضل محمد بیهقی (۱۳۸۷)، تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، تهران: انتشارات آفتاب، ج ۱۲، صص ۱۰۹۹، ۱۱۰۰.

۲ همان، صص ۹۸۴، ۹۹۲، ۹۹۴، ۱۱۰۴، ۱۱۱۴.

۳ بیهقی، همان، ص ۲۱.

و منابع باستان‌شناختی نیز بهره برده است.

نتیجه‌گیری

فهم منبع تاریخی در اندیشه مورخان مسلمان، بدون پژوهش در منابع و مآخذ تألیفات ایشان، ممکن نیست. همچنین، مآخذ آثار تاریخی مسلمانان، الزاماً با تصریح مؤلفان به منابع مورد استفاده خود، در مقدمه و یا متن اثر، شناخته نخواهد شد. مطالعه متون تاریخی حاکی است که مؤلفان این آثار غالباً از منابع گوناگون اطلاعات استفاده می‌کردند. عدم تصریح دقیق آنان به منابع مورد استفاده خود، خواه به سبب عدم پابندی به ذکر منابع خویش، و خواه به سبب فهم آنان از منبع، ضرورت بررسی سراسر متن یک تألیف تاریخی را برای شناخت مآخذ آن، مشخص می‌کند. تاریخ بی‌پتی نیز از این قاعده مستثنا نیست. به رغم این‌که در اندیشه مؤلف، منبع تاریخی محدود به کتاب‌ها و شنیده‌ها بوده و او منابع خود را محدود به این دو سرچشمه دانسته است، بررسی متن اثر او حکایت از تنوع منابع مورد استفاده وی دارد. او علاوه بر بهره‌گیری از منابع متنوع کتابی و شفاهی، ناآگاهانه از دیده‌ها، اسناد و منابع باستان‌شناختی نیز بهره برده است. با وجود این، در اندیشه او، همچون دیگر مورخان مسلمان، اسناد و منابع باستان‌شناختی منابع مستقل شناخته نمی‌شد؛ به همین سبب، استفاده وی از منابع اخیر به شیوه نقل از کتاب‌ها و شنیده‌ها و دیده‌هاست. در نتیجه، استفاده او از این منابع، روایی، غیر تحلیلی و نقل صرف است.

منابع و مآخذ

- ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن (۱۹۶۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر - دار بیروت.
- ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی (۱۳۷۲)، *عیون اخبار الرضا*، ترجمه حمید رضا مستفید، علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات صدوق.
- بارتولد، و. ولادیمیرویچ (۱۳۵۲)، *ترکستان نامه (در عهد هجوم مغول)*، ترجمه کریم کشاورز، ج ۱، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- بهار، محمد تقی (۱۳۲۱-۱۳۲۶)، *سبک شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی)*، تهران: چاپخانه خودکار.
- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید معروف به ابن فندق (۱۳۱۷)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: کتابفروشی فروغی.

- (۱۹۵۳)، *تممة صوان الحکمه*، به کوشش محمد شفیع، لاهور: انتشارات دانشگاه پنجاب.
- (۱۴۱۰ق)، *لباب الانساب واللقاب و الاعقاب*، به کوشش سید مهدی رجائی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی.
- بیهقی، ابوالفضل محمد (۱۳۸۷)، *تاریخ بیهقی*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: انتشارات آفتاب، چ ۱۲.
- تونجی، محمد (۱۳۷۵)، "باخرزی، نورالدین ابوالحسن"، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۱، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد [بی تا]، *ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالمعارف.
- جوینی، علاءالدین عظاملک (۱۳۸۷)، *تاریخ جهانگشای*، به کوشش محمد قزوینی، تهران: انتشارات هرمس.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۳۷۵)، *تاریخ نیشابور*، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات آگه.
- دارک، کن. آر (۱۳۷۹)، *مبانی نظری باستانشناسی*، ترجمه کامیار عبدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طوسی، ابو جعفر محمد (۱۳۴۸)، *اختیار معرفة الرجال (المعروف برجال کشی)*، تحقیق حسن المصطفوی، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- عتبی، محمد بن عبدالجبار (۱۳۸۴)، *تاریخ بیهقی*، ترجمه ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفاذقانی، به کوشش جعفر شعار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۴.
- فروزانی، سید ابوالقاسم (تیر و مرداد ۱۳۸۰)، "تاریخ بیهق و راز جامعیت آن" تهران، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا.
- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰)، *مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابوبکر بن احمد (۱۳۶۴)، *تاریخ گزیده*، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چ ۳.
- هادی، یوسف (۱۳۸۶)، "بیهقی، ابوالحسن"، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۴، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

- Meisami J .S. (1999), *Persian historiography: to end of the twelfth century*, Edinburgh, Edinburgh University Press.
- Pourshariati P. (Winter/Spring 2000), "Local Historiography in Early Medieval Iran and "Tarikh-i Bayhaq", *Iranian Studies*, vol. 33, number 1 -2.